

وظایف فراموش شده دولت در سیرجان

حسام الدین اسلاملو

گزارش

اینکه متوجه باشند چرا محدوده وظایف دولت مرکزی در شهرستان را به طور کامل واگذاشته‌اند و فقط دست روی دست گذاشته و چشم امید به چند شرکت دانه درشت معدنی دارند و منتظر عمل آن‌ها به مسئولیت اجتماعی‌شان در قبال سیرجان نشسته‌اند؟ پس نقش دولت با این همه اداره و کارمند و رییس و معاون چیست؟!

مسئولیت اجتماعی اسمش توصیف کننده‌ی عنوانش هست. مسئولیت اجتماعی یعنی یک شرکت معدنی که دارد از منابع عموم مردمی و ذخائر ملی بهره می‌برد و در کنار آن به خاطر آلودگی‌ئی که ایجاد می‌کند و همچنین تخریبی که ناخواسته بر امکانات جاده‌ای و شهری وارد می‌آورد، به خودی خود حقی بر گردنش می‌ماند که آن حق را از طریق مسائلی مثل پرداخت عوارض، کمک به بهسازی و... به آن عمل می‌کند.

اما اینکه ورود جدی معادنی مثل گل گهر و گهرزمین به بحث اعمال به مسئولیت اجتماعی‌شان این تصور را برای نمایندگان دولت و در راس آن فرماندار ایجاد کند که نیاز نیست دولت در سیرجان کاری کند زیرا معین‌های اقتصادی هستند و شرکت‌های معدنی برای تعهد پیوست اجتماعی خود اقدام می‌کنند. تا کنون هم براینند نشست‌های شورای اداری در فرمانداری سیرجان گویا همین بوده است. که فلان جاده بین شهری بی صاحب است و با اینکه در مسیر منطقه گل گهر هم نیست، با این حال گل گهر باید بیاید پای کار!

حال جای سوال از فرماندار این است که چرا گل گهر یا هر شرکت دیگر منطقه گل گهر باید برای جاده‌ای که در تخریبش نقشی نداشته بیاید پای کار و هزینه کند. اگر هزینه می‌کند وظیفه اش نبوده و دارد به دولت لطف می‌کند و کم کاری دولت را بر عهده می‌گیرد؟ آخر مگر سیرجان به عنوان یک جز از کل ایران حقی بر گردن دولت

با عوض شدن دولت و روی کار آمدن دولت چهاردهم انتظار می‌رود که رفته رفته ادارات دولتی و فرمانداری سیرجان هم اندک اندک یا یکباره پوست اندازی کنند و از این حالت فشلی و انفعال بیرون زده، خون تازه‌ای در رگ‌های روزمرگی‌شان بدود.

زیرا در این چند ساله به گفته‌ی برخی از مقامات خود شهرستان، عملاً در سیرجان دولت وجود و حضور نداشت و نگاه کارکنان دولت جز یک نگاه صندلی‌نشینی و حقوق‌گیری چیزی نبود! درحالی که تک تک اداره‌های سیرجان و فرمانداری به عنوان هدایتگر آنان هزاران کار نکرده دارند اما در عمل مصداق ضرب‌المثل آفتابه لگن هفت دست و شام و نهار هیچ‌اند!

با این وجود این روزها اکثر سیرجانی‌ها از عام و خاص تا حتا برخی مسئولان انگار اشتباه و نشناختن حوزه‌ی مسئولیت را در بخش دیگری دچار شده‌اند و آتش آن قدر شور شده که معتادان متجاهر و اتباع افغان در گوشه گوشه حاشیه شهرک‌های اطراف سیرجان مشغول لاستیک‌سوزی برای رسیدن به سیم وسطشان هستند اما در مقابل این انفعال محض اداره محیط زیست برای پیشگیری از آلودگی هوای شهر، دیده می‌شود که رسانه‌ای ساز ناکوکش را می‌برد سمت یقه‌گیری از گل‌گهر که این چه وضعش هست؟! مصداق همان ضرب‌المثل: «گنه کرد در بلخ آهنگری/به شوشتر زدن گردن مسگری»!

ایجاد این پندار اشتباه برای مردم شاید امری بدهیی و طبیعی می‌نمود زیرا چندان با حقوق اولیه شهروندی خود هم آگاه نیستند چه برسد به مباحث حقوق اداری.

اما جالب آنکه خود برخی نخبگان شهری و مسئولان دولتی و رؤسای ادارت در سیرجان انگار بر این تصور اشتباه به طور عامدانه دامنه زده و در این زغال دمیده‌اند! بدون